

ترجمه اصول کافی

• عباسعلی مردی

صادق حسن زاده، چندین بار به فارسی ترجمه شده است:
 ۱. شرح و ترجمه اصول الکافی به فارسی در دو جزء از سیداحمد بن مصطفی میرخانی (متوفای ۱۴۱۴ ق؛ مجله علوم حدیث، ش ۳۲، مقاله «کتابشناسی جوامع حدیثی چهارگانه شیعه» از حسین صفره، ص ۱۹۸ به نقل از معجم مؤلفی الامامیه)؛
 ۲. شرح و ترجمه اصول الکافی، از کتاب ایمان و کفر تا کتاب العشرة، از سیدهاشم رسولی محلاتی که به همت انتشارات علمیه اسلامیه در تهران در ۱۳۶۸ ش، چاپ و منتشر شده است. بقیه اصول الکافی را سیدجواد مصطفوی ترجمه و شرح کرده است. (علوم حدیث، ش ۳۲، مقاله حسن صفره)؛
 ۳. ترجمه مرحوم دکترسید جواد مصطفوی در چهار جلد؛
 ۴. ترجمه شیخ محمدباقر کمره‌ای (۱۲۸۱-۱۳۷۴ ق)، ابتدا چهار جلد و سپس در شش جلد.

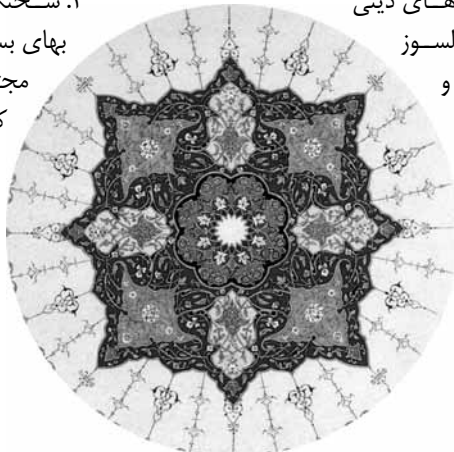
دلایل پدیدآمدن ترجمه جدید از یک متن آقای حسن زاده به نکاتی که در پدیدآمدن یک ترجمه جدید از متن مؤثرند اشاره کرده است:
 ۱. سختگیری مترجم برای حق‌الت ترجمه؛ که موجب می‌شود ناشر به فکر ارائه ترجمه‌ای جدید بیفتد.
 ۲. سختگیری ناشر در عرضه کتاب؛ یا کتاب را به بهای بسیار عرضه می‌کند مثل ترجمه قرآن دکترا مجتوبی، یا رفتارش در معامله خلاف عرف کتابفروشان و بازار کتاب است.
 ۳. چاپ ناقص؛ مثلاً قسمتی از کتاب را نیاورده باشد.
 ۴. قیمت نامناسب
 ۵. چاپ نامرغوب (حروفچینی و

■ ترجمه و متن اصول کافی
 ■ تألیف ثقة الاسلام محمد کلینی
 ■ ترجمه صادق حسن زاده
 ■ کتاب‌سرای قائم (عج)، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳

در میان کتب اربعه، کتاب کافی از جایگاه کم‌نظیری برخوردار است تا جایی که بعضی از علمای شیعه از جمله مجلسی اول و سید نعمت‌الله جزایری گفته‌اند که این کتاب به نظر مبارک حضرت صاحب‌الامر(ع) رسیده و مورد تحسین آن حضرت قرار گرفته و فرموده است: «الکافی کاف لشیعتنا». سوای صحت و سقم این سخن، استقبال بی‌سابقه شیعیان به ویژه فرزندان مکتب تشیع و اعتماد عمومی به این کتاب نشان‌دهنده اهمیت ویژه آن است.

در گذشته نه چندان دور، برخی براساس احساس وظیفه یا سودجویی، دست به ترجمه کتاب‌های دینی زده‌اند، اما متأسفانه تلاششان بیشتر به تخریب انجامیده است تا جذب کتاب‌خوان مذهبی. به طوری که دانشمندان و نویسندگان دلسوز فریاد برآورده‌اند.

اما چندی است که ترجمه کتاب‌های دینی رونق گرفته و مترجمان متبحر و آگاه و دلسوز ترجمه‌های صحیح‌تری از متون روایی و دینی ارائه می‌کنند. از میان کتاب‌هایی که چندین بار ترجمه شده‌اند، می‌توان به تحف‌العقول، الغارات و اصول کافی اشاره کرد.
 اصول کافی پیش از ترجمه آقای



حسن‌زاده املی صورت گرفته که اولین بار در ۱۳۴۷ ش چاپ شده است.

مترجم ترجمه خود را خالی از عیب و نقص نمی‌داند و «خاتم‌المترجمین» بودن عده‌ای را نمی‌پذیرد. وی می‌افزاید:

«البته ترجمه جدید به این معنا نیست که زحمات مترجمان پیشین نادیده گرفته شود و با مشاهده چند اشتباه پیش‌پا افتاده در ترجمه، به آنها بی‌احترامی شود. بلکه با استفاده از زحمات پیشکسوتان و در راستای کار آنها ترجمه‌ای زیبا و شیوا در قالب تازه‌تر و رفع اشکالات آنها ارائه گردد تا نسل جوان امروز با خواندن آن احساس خستگی نکنند.

باز ترجمه جدید به این معنا نیست که کسی صلاحیت لازم را ندارد به این قلمرو وارد شود و یک ترجمه نارسا پدید آورد و با این کار اعتماد خوانندگان را از ترجمه‌های جدید سلب کند.»

نکته‌ها

علی‌رغم اینکه مترجم سعی کرده است تا ترجمه‌ای سلیس و در عین حال صحیح به دست دهد، در ترجمه لغزش‌هایی دیده می‌شود که شاید علت اصلی آن عدم بازنگری مترجم باشد. از سویی، ناشران و نویسندگان باید بپذیرند که هرچقدر هم توانا باشند، با بهره‌گیری از مهارت یک ویراستار زبده به ارزش خود می‌افزایند.

برخی از لغزش‌های این ترجمه چنین است:

۱. در ص ۳ و همچنین در پیشگفتار (ص ۱۳)، شهادت شهید ثانی ۹۶۶ ق ضبط شده است که صحیح آن ۹۶۵ است. (جمع بریشان، رضا مختاری، دفتر اول، مقاله «پژوهشی در سرگذشت شهید ثانی»، ص ۳۹۵-۳۹۹).

۲. ج ۱، ص ۱۹، خطبه کتاب: این عبارت «الحمد لله المحمود لنعتمه المعبود لقدرته المطاع فی سلطانه المرهوب لجلاله المرغوب الیه فیما عنده ...» چنین ترجمه شده است:

«ستایش خدای را که برای نعمتش، ستایش و برای قدرتش، پرستش شده است؛ در سلطنت خویش، فرمانرواست. و به خاطر شکوهمندی‌اش از او بیم دارند. به آنچه نزد اوست رغبت شده؛ ...»
«المطاع فی سلطانه، المرهوب لجلاله» نیز باید چون جملات پیش و پس مجهول ترجمه می‌شد.

۳. ج ۱، ص ۱۹، از خطبه کتاب: این عبارت «الذی لابدء لأولیّته و لا غایة لأزلیّته القائم قبل الاشیاء و الدائم الذی به

صفحه‌آرایی و نوع کاغذ و جلد)

۶. وابستگی‌های فکری مترجم به یک جریان خاص

عقیدتی

۷. سلیس و روان نبودن ترجمه‌های قبلی یا برخوردار نبودن از فارسی امروزی.

۸. همخوانی نداشتن عرضه و تقاضا، مثلاً اگر از یک ترجمه ده هزار جلد چاپ شود فروش دارد؛ ولی ناشر قدرت چاپ آن تیراژ را ندارد لذا کمبود در بازار احساس می‌شود و ناشر دیگر ترجمه جدیدی به بازار می‌آورد.

۹. در دسترس نبودن کتاب؛ مثلاً کتاب‌هایی که ناشران تهرانی چاپ کرده‌اند ناشران قمی به راحتی و به سرعت نمی‌توانند آنها را تهیه کنند. از این رو وقتی ناشر قمی ترجمه جدیدی ارائه می‌کند از آن استقبال می‌شود.

۱۰. ترجمه براساس آخرین چاپ

ویرایش و تحقیق شده کتاب.

ترجمه جدید اصول کافی

ترجمه‌های موجود از اصول کافی،

ضمن ترجمه به شرح و توضیح روایات نیز پرداخته‌اند. این امر اگرچه امتیازی برای آنهاست، اما ممکن است کسانی با برداشتها و تفسیر آنان موافق نباشند. از

سویی، مترجم بر این باور است که هر مترجمی

سبک ویژه‌ای در ترجمه دارد، به همین جهت

افزایش ترجمه‌های متعدد از این گونه آثار دو فایده دارد:

الف) به خواننده یاری می‌رساند تا ترجمه متناسب با ذوق و سلیقه خود را برگزیند. چنانچه ترجمه‌های متعدد از قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه جای خود را باز کرده است و هر ترجمه‌ای علاقه‌مندان خاص خود را دارد.

ب) ترجمه را از حالت انحصاری خارج می‌کند.

مترجم بر آن بوده است که ترجمه‌ای روان و سلیس از متون اصول کافی ارائه دهد. وی متن کتاب را آورده و ترجمه را در صفحه روبه‌روی آن نوشته است. برای روایات شماره مسلسل گذاشته و نمایه آیات، روایات و اشعار را در پایان هر جلد آورده است تا یافتن حدیث موردنظر به راحتی و آسانی صورت پذیرد. افزون بر چاپ فهرست فارسی در اول هر جلد، فهرست عربی را در آخر هر جلد گنجانده است تا کسانی که ابواب کافی را با نام‌های عربی جست‌وجو می‌کنند به راحتی به آن دست یابند.

این ترجمه براساس نسخه اعراب‌گذاری و تصحیح شده استاد

شاید بهتر بود چون مترجمان قرآن در برابر «فاذا سویته»، عبارتی نظیر: «پس هنگامی که او را پاندام برآوردم» (موسوی گرمارودی) یا «چون آفرینشش را به پایان بردم» (عبدالمحمد آیتی) یا «او را مردی کامل کردم» (علامه حسن زاده) استفاده می کرد تا جمله روشن تر شود.

۷. بعضی از باب های کافی این گونه ترجمه شده اند: باب اذنی المعرفة: بابتی درباره کمترین درجه خداشناسی باب المعبود: بابتی درباره پرستش شده (معبود) باب الكون و المكان: بابتی درباره بودن و مکان و حال اینکه «کمترین درجه خداشناسی» یا «خداشناسی» و «پرستش» و «وجودشناسی» ساده تر و برای عنوان مناسب ترند. دیگر اینکه بعضی از مطالب ترجمه باید به باورقی منتقل می شدند:

۱. آدرس آیات قرآن؛
۲. نشانی کتاب هایی که برای توضیح و تفسیر بیشتر ارائه شده اند؛
۳. ترجمه بعضی القاب روات؛ مثلاً ابان زیات که به ابان روغن فروش ترجمه شده است (ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۵۷۹).

۴. بعضی نکته های توضیحی مترجم؛ اگرچه با پراختز آنها را مشخص کرده است: مثلاً در ترجمه «... و امر ابراهیم ان یذبح اسحاق...» نوشته است: «به حضرت ابراهیم (ع) دستور داد که اسحاق (و به قول مشهور، اسماعیل) را سر ببرد.» (ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۳۸۳)

سخن آخر اینکه پیشنهاد می شود: ترجمه ها تفسیرگونه باشد تا همه نکات دانستنی - توضیح و تبیین مسائل نهفته در روایات - را دربرگیرد. و برای سهولت در چاپ و استفاده خواننده، به جای آنکه متن در یک صفحه و ترجمه در طرف دیگر قرار گیرد و مترجم را در تنگنای جا قرار دهد، هر روایت یا هر جمله از روایات با ترجمه تفسیرگونه خود، پشت سر هم تنظیم شود و به چاپ برسد. (براساس پیشنهاد دکتر سیدعبدالوهاب طالقانی در مجله ترجمان وحی، ش ۱۷، مقاله «ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم».)

قوامها...» بدین گونه ترجمه شده است: «آنکه نخستین بودنش را آغازی و ازلی بودنش را پایانی نیست. بیش از همه چیز، برجا بوده و همیشه نگهدار آنهاست.» برای جمله آخر ترجمه زیر پیشنهاد می شود، چرا که در ترجمه معنای «الدائم» لحاظ نشده است: «... و همیشگی ای که پایداری همه چیز به اوست، یا: پاینده ای که پایداری همه چیز به اوست.» ۴. ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۰: بخشی از حدیث و ترجمه آن چنین است:

قال ابن السکیت لابی الحسن (ع): لماذا بعث الله موسى بن عمران(ع) بالعصا و يده البيضاء و آلة السحر؟ و بعث عيسى بألة الطب؟...

و ان الله بعث عيسى فى وقت قد ظهرت فيه الزمانات و احتاج الناس الى الطب... .

ابن سکیت گوید: به امام هادی (ع) عرض کردم: چرا خدا حضرت موسی را با عصا و ید بیضا و وسایل جادوگری برانگیخت و حضرت عیسی را با طبابت... . و عیسی (ع) هنگامی برانگیخت که بیماری های ریشه دار پدیدار گشته بود و مردم به طب نیاز داشتند.

شایان یادآوری است که:

الف) «آلة السحر» وسایل جادوست و جادوگری صحیح نیست و غلط مشهور است (تفسیر نور علی نور، تعلیقات علامه شعرانی بر روض الجنان، ج ۲، ص ۱۰۱۹).

ب) «الزمانات» بیماری هایی است که مریض مدت طولانی از آن در رنج است به همین جهت «بیماری های ریشه دار» برای کلمه «الزمانات» معادل صحیحی نیست. می توانست آن را «بیماری های مزمن» ترجمه کند.

۵. ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۳۶۲: عبارت «و فى رواية ابن ابى عمير، عن هشام...» به صورت زیر ترجمه شده است:

پدر روایت دیگری ابن ابی عمیر از هشام...

به نظر می رسد غلط تائیدی است و صحیح آن چنین است: و در روایت ابن ابی عمیر از هشام...

گاهی ترجمه تحت اللفظی فهم ترجمه را دچار مشکل کرده است:

۶. ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۳۴۰: آیه «قوله: فاذا سویته و نفخت فيه

من روحی) ... «چنین ترجمه شده است:

خدا فرماید: چون او را برابر ساختم و از روحم در او دمیدم...